



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره رای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Eikev

The Morality of Love

ایکو: اخلاق عشق

در ابتدای پاراشای این هفته در سفر دواریم [تثیه] مفهومی که تا اینجا در توره تلویحی بیان شده، آشکار می شود. خداوند، خدای عشق است. بیش از آنکه ما او را دوست داریم، او ما را دوست دارد. اینجا برای نمونه در ابتدای پاراشا چنین می خوانیم:

اگر به این قوانین توجه کنی و به دقت آنها را دنبال نمایی، آنگاه خداوند، خدای تو عهد عشق خود *et ha-brit ve-et ha-chessed* را با تو نکه می دارد، همان گونه که به نیاکانت وعده داده بود. تو را دوست

خواهد داشت، برکت خواهد کرد و شمارت را افزون خواهند نمود. تثیه ۱۲-۱۳: ۷

بار دیگر در همین پاراشا می خوانیم:

آسمان ها و حتی بالاترین افلاک، زمین و هر چه در آن، به خداوند، خدای تو تعلق دارد. اما خداوند به نیاکان تو نظر کرد و آنها را دوست داشت و شما فرزندان آنها را از میان همه ملت های دیگر برگزید و امروز نیز چنین است. تثنيه ۱۴-۱۵: ۱۰

و در پاراشای هفته پیش نیز آیه ای بود از این قرار:

چون خداوند نیاکان تو را دوست داشت و فرزندان آنها را به سبب آنها برگزید، شما را از مصر با جلال و ید افراشته خود نجات داد. تثنيه ۴:۳۷

سفر تثنيه سرشار است از زبان عشق. ریشه ا-ح-و [احوا: عشق] دو بار در سفر خروج [شموت]، دوبار در ویترا [دو بار در سفر لاویان باب ۱۹] می آید، در سفر اعداد [بمیدبار] هیچ موردی نیست، اما در سفر دواویم ۲۳ بار تکرار می شود. دواویم کتابی است در مورد بهزیستی اجتماع و قدرت دگرگون ساز عشق.

هیچ چیزی بیش از این نمی توانست گمراه کننده و مودیانه باشد که مسیحیت به عنوان دین عشق و بخشایش، خود را در برابر یهودیت که آنرا دین قانون و مجازات می داند، مطرح کرد. همان گونه که پیشتر در "عهد و گفتگو"ی تفسیر وییگش گفتم، بخشایش با یهودیت زاده شد (چنانکه دیوید کنستان در کتاب پیش از بخشایش می گوید). بخشیدن انسان ها توسط انسان ها وقتی آغاز می شود که یوسف برادران را به خاطر فروختن او به بردگی می بخشد. بخشایش الهی با نهاد یوم کیپور به عنوان برترین روز بخشایش الهی پس از گناه ساختن گوساله طلایی آغاز می شود.

همچنین در مورد عشق: وقتی که انجیل از عشق می گوید، این کار را با نقل قول مستقیم از سفر لاویان انجام می دهد ("همسایه ات را مانند خودت دوست بدار"). همان گونه که فیلسوف، سیمون می در کتاب درخشان خود به نام عشق:

یک تاریخ می گوید:

این باور همه گیر را که تورات یکسره در مورد انتقام و چشم در برابر چشم است، اما انجیل ها گویا مخترع عشق به عنوان یک ارزش بی قید و شرط و جهانشمول هستند، باید یکی از بدترین بدفهمی های تاریخ غرب دانست. زیرا تورات منشاء نه تنها دو دستور عشق، بلکه سرچشمه دیدگاه گسترده تری از اعجاز قدرت عشق است.¹ "داوری او روشن است: "اگر عشق در دنیا یک متن زیربنایی داشته باشد، آن متن، تورات است."²

افزون بر این: فیلسوف، هری ردنر در "زندگی اخلاقی: گذشته و آینده فرهنگ های اخلاقی"، چهار دورنمای پایه ای زندگی اخلاقی در تاریخ تمدن ها را مشخص می کند.³ یکی را اخلاق مدنی می نامد که اخلاقیات یونان و روم است. دوم، اخلاق وظیفه است در افکار کنفوسیوس، کریشنا و رواقیون متأخر. سوم، اخلاقیات غرور است که ترکیبی از رسوم درباری و آرایش جنگی در میان ایرانیان، اعراب و ترک ها، مسیحیت قرون وسطی (اخلاق شوالیه گری) و اسلام است. چهارم، که آنرا به سادگی اخلاق می نامد، به سفر لاویان و سفر تثنیه بازمی گردد و به سادگی، "اخلاق عشق" است و همان چیزی می باشد که اخلاق غرب را منحصر به فرد می سازد:

عشق توراتی به همسایه خود شکل بسیار خاصی از عشق است، تکامل منحصر به فرد دین یهود و متفاوت با هر چیزی که در بیرون از آن بوده است. عشقی به غایت انسان دوستانه است، زیرا دوست داشتن همسایه خود

¹ Simon May, *Love: A History* (Yale University Press, 2011), 19-20.

² Ibid., 14.

³ Harry Redner, *Ethical Life: The Past and Present of Ethical Cultures*, New York, Rowman and Littlefield, 2001.

مانند خود، همواره به این معنا است که خود را به جای او بگذاریم و به جای او همان کاری را بکنیم که برای

خود در همان شرایط می خواستیم.⁴

بی تردید، بوداییزم نیز برای ایده عشق جا باز می کند، هرچند که به گونه ای دیگر و غیرشخصی تر و بدون مناسبت با خدا.

نکته انقلابی در مورد ایده عشق در یهودیت این است که نخست، تورات برخلاف تمامی دنیای باستان اصرار دارد که عناصر سازنده واقعیت، نه دشمن بشریت هستند و نه بی تفاوت به آن. ما اینجا هستیم، زیرا خداوند این گونه خواسته است. او که دلسوز ماست، مراقب و خواهان بهزیستی ماست.

دوم، عشقی که خدا با آن دنیا را آفرید، فقط الهی نیست. این عشق، سرمشقی است برای انسانیت ما. از ما خواسته شده که همسایه و فرد غریب را دوست بداریم، کارهای احسان و شفقت انجام دهیم و جامعه ای بسازیم بر پایه عشق. ایده ای که پاراشای این هفته چنین بیان می کند:

زیرا خداوند، خدای تو، خدای خدایان و ارباب اربابان است. عظیم، قدرتمند و هیبتناک است، خدایی که هیچ تبعیضی نمی گذارد و رشوه نمی پذیرد. او مدافع حق یتیمان و بیوه زنان است و غریبان را دوست دارد، زیرا شما خود، غریب بودید در سرزمین مصر. تثیه ۱۸-۱۹: ۱۰

به بیان کوتاهتر: خداوند جهان را با عشق و بخشایش آفرید و از ما می خواهد که دیگران را دوست بداریم و ببخشیم. من معتقدم که این دیدگاه عمیقترین ایده اخلاقی تاریخ بشر است.

⁴ Ibid., 50.

اما پرسش آشکاری مطرح می شود: چرا عشق که نقش چنین بزرگی در سفر دواریم دارد، در کتاب های شмот، ویقرا (به استثنای لاویان ۱۹) و بمیدبار نقش کمرنگی دارد؟

بهترین راه پاسخگویی، طرح پرسش دیگری است. چرا بخشایش هیچ نقشی - دستکم در ظاهر روایت- در سفر برشیت [پیدایش] ندارد؟ خدا آدم و حوا یا قابیل (هر چند مجازات هایشان را کاهش می دهد) نمی بخشد. بخشیدن در داستان های توفان نوح، برج بابل یا ویرانی سدوم ب گمورا و شهرهای دشت، نقشی ندارد (ابراهیم پادرمیانی می کند که شهرها بخشیده شوند اگر پنجاه یا ده فرد صدیق در آن یافت شود؛ این تقاضای بخشایش پذیرفته نمی شود). عفو الهی نخستین بار در سفر خروج پدیدار می شود، زمانی که موسی پس از گناه گوساله طلایی درخواست عفو قوم را می کند. پس از آن است که عفو در قالب یوم کیپور نهاده می شود (لاویان ۱۶)، اما نه پیش از آن. چرا این چنین است؟

پاسخ ساده و اساسی چنین است: خدا انسان ها را نمی بخشد، تا زمانی که یاد بگیرند یکدیگر را ببخشند. سفر پیدایش با یوسف که برادرانش را می بخشد، پایان می پذیرد. تنها پس از آن است که خدا انسان ها را می بخشد.

سفر پیدایش استادهای بسیاری به چرخش به سوی عشق دارد. ابراهیم اسحق را دوست دارد. اسحق عساو را دوست دارد. ریوکا یعقوب را دوست دارد. یعقوب راخل را دوست دارد، همچنین یوسف را داوست دارد. عشق میان انسان ها به وفور بیان می شود. اما تقریباً همه عشق های سفر پیدایش، جدایی افکن می شوند. آن عشق ها به تنش میان یعقوب و عساو، راخل و لئا و یوسف و برادرانش می انجامند. در سفر پیدایش نگاهی عمیق هست که بیشتر اخلاق گرایان و الهیات دان ها از آن غافل مانده اند. عشقِ خالص و به خودیِ خود، فردی و پرشور، از آن دست عشق که بیشتر ادبیات انبیاء و شیر هشریم [غزل غزل ها]، عاشقانه ترین متن کتاب مقدس را سرشار ساخته است. این مفهوم

برخلاف نوع عشقی است که در یونان باستان با نام آگاه‌په مشهور بوده: یعنی عشق ناوابسته و کلی که برای تبدیل به زیربنایی برای اجتماع ناکافی است. ایده عشق در توراه مفهومی است که هم می‌تواند جدا کند و هم متحد سازد.

از این روی به درونمایه‌ای اصلی تبدیل نمی‌شود تا آنکه به دورنمای اجتماعی-اخلاقی موجود در سفر دواریم می‌رسیم که عشق و عدالت را با هم ترکیب می‌کند. *Tzedek* یا عدالت به کلیدواژه دیگری در سفر دواریم تبدیل و ۱۸ بار تکرار می‌شود. این واژه نیز تنها ۴ بار در شмот به کار رفته، هیچ بار در بمیدبار و در وییقرا فقط در باب ۱۹، تنها بابتی که واژه عشق را نیز دربردارد. به بیان دیگر، در یهودیت، عشق و عدالت دست در دست یکدیگر پیش می‌روند. این نکته نیز مورد توجه سیمون می‌قرار گرفته است:

اینجا باید به امری اساسی در تاریخ عشق در غرب توجه کنیم: این امر که عدالتی انقلابی و درخشان زیربنای دستور عشق در لایوان است. نه عدالتی سرد که در آن بذل و بخشش مکانیکی انجام می‌شود، بلکه عدالتی که فرد دیگر را به عنوان انسانی با نیازها و خواسته‌های خاص در مناسبتی احترام آمیز می‌فهمد. همه همسایه‌های ما باید در برابر قانون عشق مساوی باشند. عدالت و عشق به این ترتیب از یکدیگر جدایی ناپذیر می‌شوند.⁵

عشق بدون عدالت به دشمنی و سرانجام، نفرت می‌انجامد. عدالت بدون عشق، خالی از نیروهای شفقت و رحم هستند که امور را انسانی می‌سازند. ما به هر دو نیاز داریم. این دورنمای اخلاقی یگانه - عشق به خدا برای انسان‌ها و عشق به انسان‌ها برای خدا که ترجمان خود را در اخلاق عشق به همسایه و فرد غریب می‌یابد - زیربنای تمدن غرب و

⁵ Loc. Cit., 17.

پیشرفت آن است. این مفهوم اینجا در سفر دواریم تولد یافته است: کتاب قانون همچون عشق و عشق همچون قانون.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved